

شرق

روزنامه

زنان یوکسور سال‌هاست در طبیعت یا خانه‌هایشان تمرین می‌کنند و در انتظار مجوز فعالیت رسمی هستند. عکس: حسن شیروانی، ایرنا



هفته‌نوشت - ۲

رفاهی که از اجتماع دریغ می‌شود



الهام فخاری

بقدراری، خدمات شهروندی، خودداری از دخالت ناچجا در زندگی مردم، مبارزه با دست‌درازی به دارایی‌های دیگران، آبادی خانه‌های ویران، سازندگی و مانند اینهاست. در همان روزگار «آشوربانی پال» با سرافرازی، رفتار دزخیمانه خود را چنین ثبت کرده است که «من در مدت یک ماه و یک روز، خوزیان و بابل را از آبادی تهی ساختم. من به دست خوش سه هزار جنگجو را از دم تیغ گذراندم و برخی را به کام آتش سپردم، چشمان بسیاری را درآوردم و پس از همه این کارها، شهرها را آتش زدم و همه چیز را به آتش و خون کشیدم».

«آشوربانی پال» چنان که گذشت و بسیاری از پیروزمندان پس از کورورش و پس از او مانند هون‌ها، ژرن‌ها، ویزکو‌ها، استروکو‌ها، لمباردها، انگلوساکسون‌ها، واندل‌ها، فرانک‌ها و نورمان‌ها کشتارهایی می‌کردند. از کشتارهای گروهی و هولناک یورسگران به پارس، ازجمله مغولان و دیگر اقوام مهاجم، سندهایی تاریخی برجا مانده است که می‌تواند مقایسه‌ای معنادار میان دوره هخامنشی با دیگر دوره‌ها فراهم کند.

کوروش در اعلامیه و دیگر کتیبه‌هایی که به جا مانده با پافشاری بر رفاه و تأمین اجتماعی مردم بر پرستش اهورامزدا و خداوند بزرگ تأکید می‌کند و به دستور او در سراسر گستره هخامنشی پیروان ادیان گوناگون در پرستش آزاد شدند.

ایرانیان در بیش از دوهزار و ۵۰۰ سال پیش برانداختن برده‌داری را تصویب کردند. گسترش و استواری سازمان ارتش و تقویت آن برای پایداری در برابر دست‌اندازی خارجی از دیگر دستاوردهای هخامنشیان به‌شمار می‌رود. سامانه تلگراف آینه‌ای در ارتش پارسی، سازمان چاپار، پست، سازمان انبارهای غله و آذوقه از دیگر خدمات مدیریتی ماندگار آن دوران هستند.

افزون بر ساخت جاده شاهی و شبکه راه‌ها، برای تعمیر و نگهداری جاده‌ها کارمندانی به کار گرفته شده بودند که از خزانه دولتی حقوق دریافت می‌کردند. مجوزهای عبور و مرور در جاده شاهی و دیگر شاهراه‌ها، برای بهره‌گیری از جیره مسافران و آگاهی از هویت افراد بوده است. در این مجوزها مقدار جیره و نام مسافر و مبدأ و مقصد آنان ذکر می‌شده است.

ما از بازمانده‌های تاریخی برجامانده در سازه‌های هخامنشی می‌توانیم پندهایی برای حکمرانی شایسته را هم دریابیم.

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۲۷ مهر ۱۴۰۰ ۱۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۳ ۱۹ اکتبر ۲۰۲۱ سال نوزدهم • شماره ۴۱۲۲ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۴۹ • اذان مغرب ۱۷:۴۲ اذان صبح فردا ۴:۵۱ • طلوع آفتاب ۶:۱۵

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرا

نور نوشت

حسین نورینیا

سهم این کودکان از این شادی چیست؟

ساختاری را شکل داده که این ساختار سازوکارهای بازتولید فقر و محرومیت را تا آنجا گسترش داده است که کودکانی که باید سوار قطار شادی شوند و از کودکی‌شان لذت ببرند، باید گونی به بغل بزنند و برای تأمین بخشی از هزینه‌های خانواده از طریق خیابان‌گردی، زباله جمع‌آوری کنند.

مگر قرار است این کودکان باشند که شهرداری هرساله برود و مثلاً از سر لطف دستی به سر آنان بکشد؟ مسئله اصلی همین است که این کودکان نباید باشند. وجود کودک کار، نشانه‌ای صریح و آشکار از وجود سازوکارهای نهادینه‌شده در توزیع شدید نابرابر ثروت است. وجود چنین سازوکاری است که به محرومیت و فقر دامن می‌زند و تعداد کودکان محروم از زندگی کودکانه را کاهش می‌دهد. تمام آمارهای موجود حکایت از آن دارد که ما با روند رو به گسترش فقر و تعمیق بیشتر نابرابری و نهادمندشدن نابرابرانه توزیع ثروت روبه‌رو هستیم.

گزارش پایش فقر وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی نشان می‌دهد نسبت جمعیت زیر خط فقر به کل جمعیت در سال ۹۸ به ۳۲ درصد رسید؛ در صورتی‌که این شاخص در سال ۹۰ حدود ۲۲ درصد

بود. عملکرد شهرداری‌ها نیز در چارچوب همین سازوکار شایان تحلیل است؛ چراکه سیاست‌های اجرایی شهرداری‌ها در تعمیق جدایی‌گزینی‌های فضایی و نابرابری‌های اجتماعی چنان است که با ساخت چند پارک و فرهنگسرا و بردن کارناوال‌های شادی به مناطق محروم پاسخ نمی‌گیرد. علت آن نیز این است که آن سیاست‌ها ساختارمند شده‌اند و همچنان به مثابه زیرساخت اقتصادی و اجتماعی در بازتولید نابرابری و فقر ایفاي نقش می‌کنند و این فعالیت‌های جزئی شهرداری‌ها به مثابه روستاخت به دنبال بزرگ‌کردن چهره فقر و پناه‌بردن در سنگری اخلاقی است.



چیست؟ بلکه این عکس سخنی عمیق‌تر دارد و ساختار نابرابر و ناعادلانه‌ای را به تصویر می‌کشد که به بازتولید محرومیت و فقر منجر می‌شود. موضوع اصلی این نیست که کودکان مناطق محروم، نه‌فقط در اصفهان بلکه در تمام شهرهای ایران، از سینما محروم هستند یا خیر، از کاروان‌های شادی محروم هستند یا خیر که البته چنین است و آنها در شرایط عادی به چنین امکانات فرهنگی‌ای دسترسی ندارند و گاه اگر شهرداری‌ها و برخی گروه‌های مردمی لطفی‌کنند، آنان نیز فضای متفاوتی از شادی را تجربه می‌کنند، بلکه موضوع اصلی این است که جامعه ما با وجود تمام شعارهای عدالت‌طلبانه‌اش،

زیر آسمان جهان

جهان مجازی «متاورس»

فیس‌بوک می‌گوید قصد دارد در پنج سال آینده ۱۰ هزار کارمند جدید در اتحادیه اروپا استخدام کند تا روی یک پلتفرم جدید ساخت این شرکت کار کنند. بنا بر اعلام این غول دنیای شبکه‌های اجتماعی افراد استخدام‌شده قرار است در توسعه پلتفرمی به نام «متاورس» (Metaverse) به خدمت گرفته شوند؛ شبکه‌ای که مدیران فیس‌بوک از آن با عنوان «بزرگ‌ترین تحول از زمان راه‌اندازی اینترنت موبایل» یاد می‌کنند. تا کنون جزئیات دقیقی از این محیط مجازی منتشر نشده، با این حال گفته می‌شود متاورس یک جهان آنلاین است که در آن با درآمیختن دنیای واقعی و اینترنت کاربر-ان می‌تواند کار کنند، بازی کنند و از طریق هدست‌های موسوم به «واقعیت مجازی» با یکدیگر ارتباط بگیرند. در سال‌های پیشین فیس‌بوک عمدتاً به خرید پلتفرم‌های پیش‌ساخته و آینده‌دار (همچون اینستاگرام و واتس‌اپ) علاقه نشان می‌داد، با این حال متاورس به کلی ایده‌ای جدید است و فیس‌بوک می‌گوید کاربران با آن «عملکردی بسیار نزدیک به تعامل شخصی را تجربه خواهند کرد». نیک کلگ، مدیر بخش بین‌الملل فیس‌بوک، در بیانیه‌ای با اشاره به اینکه تصمیم جدید «سرمایه‌گذاری روی قدرت صنعت و پتانسیل استعدادهای فناوری در اروپا است»، گفت: «متاورس این پتانسیل را دارد که فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و اخلاقانه‌ای را فراهم کند و اروپایی‌ها از همان ابتدا در شکل‌گیری آن نقش ایفا خواهند کرد».

فیس‌بوک در بیانیه‌ای گفته است سرمایه‌گذاری در اتحادیه اروپا مزایای بسیاری از جمله «دسترسی به بازار مصرف گسترده، دانشگاه‌های درجه یک و استعدادهای بالا» دارد. به گفته این شرکت، مشاغل جدیدی که در پنج سال آینده ایجاد خواهند شد، شامل «مهندسان بسیار متخصص» خواهند بود. این شرکت با بیان اینکه زیرساخت جدید «نمی‌تواند یک‌شبه ساخته شود»، برآورد کرده است تحقق ایده واقعی متاورس ۱۰ تا ۱۵ سال به طول بینجامد.

روایت

روزمره

زندگی‌هایی که بی‌ارزش شد

گیسو فغفوری

● از آن دوران اوج کرونا گذشته است، دو سال پیش که هنوز بیماری ناشناخته‌ای بود، برایش واکنشی ساخته نشده بود، آدم‌ها ناگزیر از رعایت قرنطینه و درخانه‌مانی بودند و با ماسک و دستکش همه‌جا می‌رفتند. این شرایط در تمام کشورها و سراسر جهان حکمفرما بود. این شرایط در کشور انگلیس هم برقرار بود و تعداد کشته‌شدگان هر روز بیشتر و بیشتر می‌شد. چندین و چند فیلم سینمایی درباره آن شرایط در سینمای جهان ساخته شده و یکی از آنها «مک» با بازی جودی کامر و استفان گراهام و نویسندگی جک تورن که امسال در تئلیکس ساخته شده، روایت تجربیات «سارا» دختر ۲۰ساله‌ای است که در روزهای ابتدایی شیوع کرونا، در سال ۲۰۲۰ به استخدام آزمایشی یک خانه مراقبت از سالخوردگان و الزایمر درآمده است. چند روز که می‌گذرد درمی‌یابیم که این دختر ضرور در دبیرستان و با خانواده‌ای ازم‌پاشیده، چقدر در انجام کارهای مراقبتی روزانه از این سالخوردگان توانمند است. اما این فیلم روایتی است از آنچه روزهای اولیه در کشوری با امکانات گسترده در مقابله با کووید روبه‌رو شده است؛ همان واقعیت‌هایی که اگر در فیلم سینمایی ایرانی بازگو می‌شد بلافاصله با برچسب «سیاه‌نمایی» روبه‌رو می‌شد.

بستر این اتفاق به اندازه کافی تلخ و هولناک است؛ زنان و مردانی که زباد درباره شرایط آگاهی ندارند و در سال‌های پیری روانه این خانه شده‌اند تا روزهای بهتری را پشت سر بگذرانند. در این میان «تونی» نیز هرچند جوان‌تر است با گره‌های ذهنی متعددی روبه‌رو است و مانند دیگران با آلزایمر دست‌وپنجه نرم می‌کند. سارا که به‌طور غیرمنتظره‌ای در تغذیه، تغییر، سرگرمی، تشویق و آرامش خوب است، رئیس که مادر خودش هم تا قبل از مرگ ساکن این خانه بوده است و... همه حکایت از شرایط آترامی دارد که در اینجا حکمفرماست تا اینکه «کووید۱۹» به‌مثابه «طاعون» با این خانه رفتار می‌کند. زمانی که کارکنان با حداقل امکانات روبه‌رو هستند و رئیسشان استیو تمام تلاش خود را می‌کند، تلفن‌ها را می‌کوبد و فراتر از دستورالعمل‌های دولت ممنوعیت زودهنگام ملاقات برای اساتکان و خانواده‌هایشان اجرا می‌کند. همان صحنه‌های تلخی که بارها در روزهای کرونا شاهدش بودیم، خانواده‌هایی که از پشت پنجره‌ها می‌توانند عزیزانشان را ببینند، اما گاهی فقط یک جمله تأثیر بسزایی بر این خانه دارد؛ مانند «با قطع‌شدن سروس لباس‌شویی نصف معمولی ملحقه‌ها امکان شست‌وشو پیدا می‌کنند»؛ این یعنی هم کارکنان باید بیشتر مراقب باشند و هم نگرانی بابت تمیزی افزایش پیدا می‌کند. با همان تعداد کم کارکنان باید غذای ساکنان را تنها بدهند و دیگر امکان غذاخوردن همگانی وجود ندارد؛ حالا دیگر کرونا به داخل خانه هم می‌آید، اتاق‌هایشان با بخار ضعیفونی می‌شود و نامشان از درها برداشته می‌شود و وقتی استیو و سایر کارکنان به کووید مبتلا می‌شوند، فقط «سارا» می‌ماند تا مراقب «کنی» باشد که به کرونا مبتلا شده و امکان تنفس ندارد. اورژانس محلی جواب نمی‌دهد، بارها و بارها در صف پاسخ‌گویی ۱۱۱۱ قرار دارد و وقتی به ۹۹۹ زنگ می‌زند، آمبولانس در دسترس نیست که پاسخ‌گو باشد. او فریاد می‌زند اگر از خانه سالمندان تماس نمی‌گرفتم بازهم ساعت‌ها باید منتظر می‌ماندم. او حس می‌کند از اولویت حذف شده است. احساس می‌کند بیهوده برای کمک - هرگونه کمکی- تماس می‌گیرد و اصرار می‌کند؛ چیزی برای ارائه به او وجود ندارد.

وقتی هرکس در هر گوشه‌ای از جهان به تماشای فیلم می‌نشیند، این واقعیت تلخ را درمی‌یابد؛ ره‌اشدن خانه‌های مراقبت. کاری که در شرایط هیستری و ترسناک اولیه کرونا در کشور انگلیس رخ داد و حالا در فیلم ماندگار شده است. اما شاید مهم‌ترین سؤالی که این فیلم ما را با آن مواجه می‌کند، «میزان ارزش زندگی» است؛ چه زمانی ارزش زندگی خود را از دست می‌دهیم؟ آیا ارزش زندگی‌ما توسط دیگران تعیین می‌شود؟ چه شد که در چنین کشور اروپا یا به قولی جهان اول تصمیم گرفتند این روند را در پیش بگیرند و پیرها و ناتوان‌ها را از روند مراقبت و بهداشت حذف کنند؟ این سؤال‌هایی است که هنگام دیدن فیلم و اضطراب و خشم کارکنان، در این فیلم نمی‌توانیم درک نکنیم. هرچند این نکته قابل توجه است که کرونا برایمان عیان کرد که شرایط تلخ در همه‌جا یکسان است و حس آدمی در برابر مشکلات یگانه عمل می‌کند.



کاردین: در کنیا قاتل سریالی پس از فرار از دست پلیس به دست چند کودک کشته شد. ماستن وانجالا چند روز پیش اعتراف کرد ۱۲ کودک را کشته و بعد هم از دست پلیس فرار کرد. چند روز بعد در یکی از خیابان‌های پایتخت در حال فوتبال با کودکان بود که توسط آنها شناسایی شد. مردم محلی به‌شدت او را کتک زدند و در دم جان باخت.

کمیک بوکز: فیلم‌برداری قسمت چهارم «بی‌مصرف‌ها» هم‌اکنون در حال انجام است؛ فیلمی که پیش‌بینی می‌شود بر کاراکتر جیسون استاتهام تمرکز داشته باشد. با توجه به پست اینستاگرامی سیلوستر استالونه که از پایان فیلم‌برداری بخش‌های خودش در این فرانشیز خبر داد، به نظر می‌رسد کاراکتر جیسون استاتهام نقش اصلی پروژه را از سیلوستر استالونه گرفته است.

دبلی‌میل: اولین بازی رسمی نیوکاسل با مالکان جدید به محلی برای یادکردن از جمال خاشقجی تبدیل شد. از آنجایی که بازی با تاتنهام اولین دیدار رسمی نیوکاسل با مدیریت جدید و سعودی خود بود، هواداران زیادی به ورزشگاه آمدند و نمادهای زیاد عربی هم دیده می‌شد. در این میان گروهی هم بیلبوردهای بزرگی از خاشقجی را بیرون ورزشگاه نصب کرده بودند.



رویترز: هزاران نفر از مردم السالوادور برای شرکت در اعتراضات علیه رئیس‌جمهور کشورشان به خیابان‌ها آمدند. علت این اعتراضات سلطه‌جویی بیش از حد «نایب بوکله» است؛ به‌ویژه اینکه به‌تازگی در پروفایل توئیترش هم خود را «امپراتور السالوادور» خوانده است. معترضان در اعتراضات روز یکشنبه شعارهایی مانند «السالوادور چه می‌خواهد؟ از شر این دیکتاتور خلاص شوید» سر دادند.



فیلم‌استیج: یک دفتر رسمی فیلم در اسپانیا از پایان فیلم‌برداری فیلم پرستاره «شهر ستاره‌مانند» جدیدترین ساخته وس اندرس خبر داد. فیلم‌برداری این فیلم از ماه آگوست در کشور اسپانیا و دهستان چینچون آغاز شده بود. با پایان فیلم‌برداری «شهر ستاره‌مانند» به نظر می‌رسد بازه زمانی هفت‌ماهه، وقت مناسبی برای وس اندرس است تا فیلم جدیدش را در جشنواره «کن» ۲۰۲۲ عرضه کند.



روسبایلیوم: دادگاه الجزایر حکم ۱۰ سال حبس احمد اویجی، نخست‌وزیر اسبق این کشور را در پیرونده شرکت «سوافاک»، شریک الجزایری شرکت خودروسازی «ولکس‌واگن» تأیید کرد. دادگاه همچنین مراد عولمی، رئیس شرکت خصوصی سوافاک و برادر او حیدر را به ترتیب به ۱۰ و پنج سال حبس لازم‌الاجرا و یوسف یوسفی، وزیر اسبق صنعت را به دو سال حبس محکوم کرد.